

کمک به هموطنان سیل زده
از طریق اپلیکیشن آپ
یا شماره گیری کد *۷۳۳*۵۱۵۱*

«شهروند» بررسی می کند: طرح دولت
جهش قیمت مسکن را مهار خواهد کرد؟
کلید «مسکن ملی»
برای قفل بازار
۸ صفحه

محمدعلی پورمختار عضو کمیسیون حقوقی
و قضائی مجلس در گفت و گو با «شهروند»
مصوبه جدید این کمیسیون را تشریح کرد

«ایست بازرسی»ها ساماندهی می شوند

پورمختار می گوید: «سابق بر این رویه ای نبوده است، یعنی
برخی نهادها رأسا اقدام به برقراری ایست بازرسی یا تفتیش
می کردند. الان قرار شده که علاوه بر اجازه این نهادها کسب
مجوز از دادستان هم لحاظ شود.»

۲ صفحه

گفت و گو با «اسماعیل میرفخرایی»
درباره خودش، اوضاع این روزهایش
و نسبت اش با رسانه ملی
مخاطبم را گم کرده ام
۱۲ صفحه

گفت و گوی «شهروند» با سعید صادقی، عکاسی که سوژه های
عکاسی خود در دوره جنگ را جست و جوی می کند
به دنبال زندگی
در قاب های
حماسه

محمد سعید صادقی در سال ۶۳ ز زمان اعزام به جبهه که مادرش پیشانی پند او را می بخشد و سال ۹۶ در تهران

فرهاد مجیدی در ماموریت غیرممکن

انتخاب بدون هماهنگی
برای تیم امید، فدراسیون را
با کمیته المپیک در انداخت

۱۵ صفحه

ماجرای نیمه شب یک سفارت

میهمانی سفارت انگلیس و
حضور مدعوان در این مراسم با
انتقادهای اصولگرایان مواجه
شده است

۲ صفحه

بانوی امدادگر کوهستانی
خود را وقف محرومان
حاشیه شهر کرده است
سنگ صبور
حاشیه نشین ها
۱۰ صفحه



ایران-کره یک بازی کاملا غیردوستانه

چشم پادامی ها تمام
توان شان را به کار گرفته اند
تا بعد از جدایی کی روش
طلسم هشت ساله نبرد
ایران را بشکنند؛ آنها
ساعت ۱۵:۳۰ امروز با همین
انگیزه مقابل تیم ویلموتس
قرار می گیرند
۱۴ صفحه



هدایت توییت ها به سمت حمایت از مدبری شما چرنوبیل دارید ما هم هیولا!

۱۴ صفحه

بد حجاب های اشتباهی فرم اعتراض پرکنند

۳ صفحه

یک مسئول: چینی ها
با یک وعده غذا سیر
می شوند ما زیاد می خوریم
و می پوشیم
مردم: خوبه
از لنگ و نون
خشک رسیدیم
به یک وعده؛ این
یعنی پیشرفت!
۱۶ صفحه

یادداشت ۲

در دام داوری؛ به احترام اصغر فرهادی!

فاصله ها را بیشتر کنیم و حتی طرف دیگر را به واکنش های
ناخواسته و ناعادلانه بکشانیم. انکار امضا داده ایم که اگر کسی
موضوعی درباره یک موضوع ملتهب اجتماعی گرفت، ما باید در
مقام دادرسی وارد میدان شویم و طرف دیگر را به سکوت یا اعتراف
به اشتباه مجبور کنیم. بی خیال این که این وسط، جایگاه حقیقت
کجاست، واقعا چه اتفاقی افتاده و آیا همه حقیقت همانی است
که مامی دانیم و مامی گوئیم و مافکر می کنیم؟
فراری بودم از این که مثال بزنم، ولی مثلا در همین ماجرای
اخیر راننده اسنپ، چند نفر از ما قانون این اپلیکیشن
خدمات رانسان را خوانده بودیم و بعد موضعگیری کردیم؟ چند
نفر از ما روایت سمیت دیگر ماجرا را شنیده بودیم و بعد توییت
نوشتیم؟ چند نفر از ما می دانستیم چه واکنش هایی در جریان
است و بعد هشتگ تحریم (اولیه و ثانویه) زدیم؟ می بینید؛ در این
کشاکش سریع وقایع، جایگاه ما و نوشته های ما را خط کشی ها
و تعصبها و داوری های اغلب کور کورانه مشخص می کند و نه
حقیقت ماجرا و «رد» فقط در مثله شدن حقیقت و به فنا رفتن
واقعیت نیست، در اصلی در دوباره شدن و حشمتناک جامعه ای
است که بیش از هر زمان دیگری به همبستگی نیاز دارد. درد
اصلی اینجاست که هر چه جلوتر می روییم، این دو پاره از هم
جداتر می شوند. جزیره هایی جدا افتاده و رقشنگیز. کش کسی
پیدامی شود و داد می کشید که: بس است دیگر؛ بی خیال!

تکمله: خیلی مشهود است که این یادداشت به رحمت و
جان کندن نوشته شده. خیلی تلاش کرده ام تا فارغ از اشاره ها
و تعصبها و همین خط کشی های دست و پاگیر، اصل حرف را
بزنم. اما راستش بهانه اصلی یک توییت بود در حاشیه ماجرای
راننده اسنپ و وقایع پس از آن: «من نه طرفدار آن راننده اسنپم؛
نه طرفدار آن دختر. طرفدار جامعه ام. جامعه را چند پاره نکنید!»



محمد اشعری
معاون سردبیر
موضع گیری در رخداد های اجتماعی، طرفداری از استقلال
و پرسپولیس نیست که بشود یک موضوع فانتزی و نه چندان
جدی فرض کرد. به عبارت دیگر یکی که «طرفدار» باشگاهی
است، هر قدر هم که رنگ گردنش باد کند و سر پر تعصبی داشته
باشد، باز هم دارد یک تیم ورزشی را پشتیبانی می کند و برای
رقیبش خط و نشان می کشد و نه بیشتر از آن. یعنی انتهای
طرفداری های ورزشی «عشق و علاقه»؛ یاد است و پر رنگ بودن
آن ضرر عمیقی به بیکره جامعه نمی زند.

اما هواداری در حوزه اجتماعی از آن اتفاقات ترسناک است
و آفت های بزرگتری دارد. یکی اش همین که آدم را زود به دام
قضاوت و صدور حکم می کشاند. نمی خواهم فیلم های اصغر
فرهادی درباره قضاوت نکردن را یادآوری کنم تا نهیب اخلاقی
بزنم، سوسی حرفم چیز دیگری است، هر چند پدر ز فکر فرهادی وار
هم در آن بی تاثیر نباشد. درباره مسائل اجتماعی که اندکی
پیچیده تر از بقیه حوزه هاست، وقتی پرچم هواداری برداشته
شود، حق جویی است که از در دیگر بیرون می رود. وقتی قبل از
آن که یک رخداد اجتماعی را موشکافی کنیم، همان اول - بین
دو جبهه خط فاصل بکشیم و سعی کنیم سریع مشخص کنیم
کدام سمت میدان ایستاده ایم و طرف دیگر قرار است بر اساس
این خط کشی ها چه موضعی بگیرد، خنجر زدن به بیکره جامعه
است. این تعصب، دیگر نه از علاقه است و نه دوست داشتن زیاد،
این خط کشی فوری، وادارمان می کند که ندانسته سیر تحولات
و اتفاقات اجتماعی را تند و تند کنیم (این تند ی ها دو معنا دارد)

یادداشت ۲

مهدی تاج یک نفر نیست، یک فرهنگ است

عملکرد مجموعه مدیریتی اش را «فوق العاده مثبت» خوانده
است. آن چه روز یکشنبه در شمال مهدی تاج دیدیم، شاید
نمادی از وضع سایر بخش های کشور بود؛ مدیرانی که به جای
شرم از ناتوانی و بدهکاری، ژست طلبکاری می گیرند و بر
سر زمین و زمان منت دارند. مهدی تاج یک نفر نیست،
یک فرهنگ است.

بین همه حرف های آقای رئیس، اما جمله ای وجود دارد که
بیشتر از بقیه آدم را می سوزاند؛ آن جا که او می گوید: «عملکرد
فدراسیون فوتبال از خیلی از نهادهای دولتی بهتر است.
سندش هم این که تیم ملی در تبه نخست رنکینگ آسیایی
قرار دارد.» آدم متحیر می ماند که در قبال چنین استدلالی،
چه باید بکند.

ادامه در صفحه ۲



رسول بهروش
روزنامه نگار
در فصل گذشته فوتبال ایران تقریبا هیچ مسابقه بزرگی
بدون تلفات برگزار نشد. انگار که پای جنگ های داخلی وسط
باشد، بعد از هر جدال مهم ابتدا تعداد تلفات اعلام می شد و
بعد نوبت به نتیجه بازی می رسید. همین حالا یک هوادار
بی گناه پرسپولیس که در صدفهان تا بیغ موکتبری چشمش
را اصلاح کنیم، در این صورت بخت بیمارستان منتظر است دکترها
جواب بدهند که آیا شانس دیگری برای تماشای دختر
سه ساله اش خواهد داشت یا نه. در چنین اوضاع و احوالی
امارتیس فدراسیون فوتبال نشست خبری بر گزار کرده و

یادداشت یک

دو حلقه گمشده

هر سال که به فصل تابستان نزدیک
می شویم، بحث تکراری توصیه به
رعایت ضوابط رفتاری و اخلاقی و نیز
موضوع امر به معروف و نهی از منکر
اوج می گیرد و به طور طبیعی اقداماتی
هم انجام می شود و سطح تنش های
اجتماعی قدری افزایش پیدا می کند.
این وضع تا مدتی ادامه پیدا کرده و
سپس رو به خاموشی می گذارد، تا
سال آینده دوباره روز از نور روزی از نو.
البته هر سال نیز قدری از حساسیت ها
کاسته می شود و اگر تصاویری از
فضای امروز را با تصاویر ۲۰ سال پیش
مقایسه کنیم، متوجه این تغییرات

می شویم. امسال نیز موضوعاتی
چون حجاب بانسوان، دور دور کردن
با خودرو های مدل بالا، رفتارها و
شادی های جمعی در پارکها و سایر
اماکن عمومی نیز به عنوان مصادیق
این موضوعات مطرح شده اند.
ماجرای بازرسان پیامک و احضار
صاحبان خودرو هایی که گفته
می شود خانم های بی حجاب در آنها
حضور داشته اند، آغاز شد. این مسأله
باتنش میان یک خانم مسافر و راننده
یکی از شرکت های تاکسی های
اینترنتی به اوج رسید. همچنین با
اعلام شماره تلفن برای اطلاع دادن
مردم از مواردی که مشاهده می کنند
و سپس اجازه دادن به گرفتن تصویر از
این موارد موضوع گفت و گوی حادی
شده است. ولی در این میان دو نکته
اساسی فراموش می شود که می توان
آنها را حلقه های گمشده برای این
بحث عمومی دانست.

نخستین حلقه گمشده محوریت
قانون در روابط میان ما انسان ها و نیز
حقوق و تکالیف ما در برابر حکومت و
بالعکس است. هر فردی هنگامی که
می خواهد در ساره رفتار های دیگران
امر و نهی کند، چهارای جزا راجع
به قانون ندارد. برای نمونه رفتار دور
دور کردن قطعا زشت و مزاحم روال
زندگی شهری است و بیشتر مردم

۱۱ صفحه